

به نام خدا

از مجموعه نگاشته های "آن آشنا"

فرمانروای هستی

(گفتگوهایی دربارهٔ جهان بینی توحیدی)

فرمانروای هستی

بِنَمَا به ما که هستی

آنکه بگو که هستی؟

(۵) آرزوی ایثار

گفتم:

- به این ترتیب، هر فرد، یا به قول شما هر پدیده، خواسته های ریز و درشت و چه بسا بوالهوسی هایش، و

در صدر آن ها بقای خودش، را به عنوان ویژگی های مرحله کمال خود تعریف می کند

و آن وقت

به خود اجازه می دهد که برای رسیدن به این به اصطلاح کمال (یعنی بقا و خواسته های خود)، دست به

هر کاری بزند و پدیده های دیگر را ، به هر نحوی که می پسندد، از سر راه خود بردارد یا در خود ادغام یا هضم

نماید

همچنین

به خود حق می دهد که در این راه از هر وسیله ای استفاده کند؛ چرا که معتقد است که هدف وسیله را

توجیه می کند

و چه هدفی دهان پر کن تر از رسیدن به کمال.

فرمود:

- اولاً

هدف وسیله را تعیین می کند نه توجیه.

به این معنا که با هر وسیله ای نباید به سوی یک هدف معین رفت و نمی توان به آن رسید.

ثانیاً

گرچه کمال، مجموعه ای از ویژگی هاست اما هرگز نباید این حقیقت را از یاد برد که

این ویژگی ها و راه رسیدن به آن ها را پدیدآورنده تعیین می کند نه خود پدیده.

گفتم:

- ولی کسانی که به وجود زنجیره یا شبکه ای از علت ها و معلول ها معتقدند می گویند

هر پدیده، توسط یک یا چند پدیده دیگر به وجود می آید و یا تغییر می پذیرد

و

البته خود آن پدیده نیز می تواند در ایجاد یا تغییر برخی پدیده های دیگر نقش داشته باشد.

فرمود:

- پس حتی آن ها هم قبول دارند که یک پدیده واقع در درون این زنجیره یا شبکه نمی تواند پدید

آورنده خودش باشد، چه رسد به این که کمال خود را بشناسد و راه رسیدن به آن را تشخیص دهد.

افزود:

- تنها پدید آورندهٔ کلّ زنجیره یا شبکه است که حق دارد و می تواند که

اولاً

کمال حقیقی را برای تمامی این زنجیره یا شبکه و نیز برای تک تک پدیده های عضو آن تعریف کند

و

ثانیاً ویژگی های تشکیل دهندهٔ این کمال و راه رسیدن به آن را تعیین نماید،

یک پدیدهٔ معین که عضوی در درون این زنجیره یا شبکه باشد، نه حق انجام این کار را دارد و نه توان آن

را.

و اگر هم، به فرض، یک پدیدهٔ معین بتواند چنین کند، دو مانع پیش گفته - یعنی تغییر تدریجی ویژگی

های نقطهٔ کمال و تداخل مسیر های تکاملی پدیده های مختلف - او را از دستیابی به هدفش باز می دارند.

پرسیدم:

- آیا پدیده ای هست که بر سر راه رسیدنش به کمال، این دو مانع موجود نباشند؟

فرمود:

- آری. هستی در کلیت خود چنین پدیده ای است

چون

آن قدر قدرت و عظمت دارد که هیچ پدیده ای نمی تواند سدّ راهش شود، بلکه این کلّ هستی است که به

پدیده های ناهمراستا با هدف خود سمت و سو می بخشد.

و ضمناً

هستی در کلیت خود پدیده ای مطلقاً کامل است و هیچ پدیده ای نیست که بتواند به کمال آن خدشه ای

وارد کند؛

چون از یک سو،

کل هستی در بردارنده همه پدیده هاست و بیرون از آن، پدیده ای وجود ندارد تا مانع رسیدن این کل به

کمال شود

و از سوی دیگر،

کل هستی، خط سیر تکاملی تمامی پدیده های زیر مجموعه خود را با سمت و سوی هدف خویش

همراستا می سازد.

پرسیدم:

- مگر هستی هم هدفمند است؟

فرمود:

- تا آن جا که به آفریدگار مربوط می شود خیر، چون "او" بی نیاز است، اما تا آن جا که به آفریدگان مربوط

می شود آری.

گفتم:

- پس این کل هستی هم، مثل هر پدیده دیگر، در راه رسیدن به هدفش، پدیده های ناهمراستا با مسیر تکاملی

اش را پایمال یا نابود می سازد، و یا به زبان دیگر، آن ها را فدای حرکت خود می کند.

فرمود:

- بهتر است بگوییم آن ها را در یک تکامل راستین - یعنی تکاملی در عالی ترین سطح - سهیم می کند؛

چون

تکامل راستین برای هر پدیده آفریده شده، حرکت به سوی هدف کل هستی است.

گفتم:

- ولی با این فدا شدن، یا به گفته شما این سهمیم شدن، سیر تکاملی پدیده مورد نظر گسسته می شود، و آن پدیده موجودیت خود را از دست می دهد.

فرمود:

- اگر هم چنین شود، در عوض بقا و کمال، به معنای حقیقی، نصیبش می گردد.

گفتم:

- اما شاید آن پدیده، بقای معمولی و کمال مورد علاقه خودش را ترجیح بدهد.

فرمود:

- اگر پدیده ای از این حقیقت آگاه شود که سهمیم شدن او در تکامل راستین کل هستی به چه معناست و چه ثمراتی را برایش در پی دارد، خودش این فدا شدن را آرزو خواهد کرد.

پدری که می داند اگر در راه بقای خانواده اش از جان خود بگذرد، خانواده او بر جای می ماند و به سیر تکاملی اش ادامه خواهد داد،

و از طرف دیگر،

خود او هم، در حقیقت، در دل خانواده اش باقی خواهد ماند، و در سطحی بسیار بالاتر به سوی نوعی کمال برتر پیش خواهد رفت،

آن گاه

با کمال میل، با ایثار موجودیت فردی اش، خود را، آگاهانه، فدای تکامل پدیده ای بزرگ تر و مهم تر، یعنی خانواده اش، خواهد کرد.

حالا بگویید، اگر پای کل هستی و جاودانگی و کمال راستین در میان باشد، در آن صورت او چه خواهد

کرد؟ آیا مخالفتی با این سهمیم شدن ایثارگرانه خواهد داشت؟

پرسید:

- خودِ شما در چنین موقعیتی چه تصمیمی می‌گیرید؟

گفتم:

- داشتنِ امکان برای این گونه ایثارگری، یک سعادت برای هر انسان، و بزرگ‌ترین آرزوی او است.

ادامه دارد